

محمدجواد امیدوارنیا^۱

چینیان از قرن‌ها پیش از میلاد تاکنون برای سرزمینهای شمال غربی از نظر امنیتی اهمیت زیاد قائل بوده‌اند. به نظر آنان اگرچه فروپاشی شوروی موجب از میان رفتن تهدید آن ابرقدرت گردیده اما شکل جدیدی از تهدید در منطقه را پدید آورده است. عامل تهدید در عصر شوروی بیشتر جنبه نظامی داشت (سنتی) اما از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد عوامل ضدامنیتی تازه‌ای پدید آمده‌اند که غیرسنتی هستند و آمادگی در برابر آنها مستلزم بررسی جنبه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی است.

محققان و دولتمردان چین همیشه به مسایل امنیتی در آسیای مرکزی توجه بسیار داشته‌اند. سابقه طولانی ناامنی‌های منطقه‌ای و تأثیر آن بر سرزمینهای شمال غربی چین از دلایل اصلی توجه چینیان است. نگاهی به تاریخ چین نشان می‌دهد که این کشور از قرن‌ها پیش از میلاد مسیح با تهدید از سوی اقوام مختلف در مرزهای شمال و شمال غربی روبرو بوده است. در نیمه دوم قرن هیجدهم میلادی، سلسله چینگ^(۱) به دنبال وقوع بحرانهایی در سین‌کیانگ^(۲) (۱۷۵۹-۱۷۵۵) آنجا را با استفاده از نیروی نظامی ضمیمه خود ساخت.^(۳) روسیه تزاری نیز از قرن هیجدهم پیشروی در آسیای مرکزی را آغاز نمود و الکساندر امپراتور روسیه در سال ۱۸۵۸ ادامه پیروزی‌های کشور خود را در آن منطقه اعلام داشت. سپس فرماندهی ارتش روسیه اظهار نظر نمود که آن کشور باید بر سراسر آسیای مرکزی تسلط یابد زیرا این سرزمینها بر سر راه ورود به سین‌کیانگ قرار دارند.

۱. آقای محمدجواد امیدوارنیا کارشناس ارشد مسایل چین است.

تجربه‌های بعد به‌ویژه در دوران شوروی سابق نیز نشان داده است که اوضاع در آسیای مرکزی به‌طور مستقیم بر امنیت چین در دو محور شرقی-غربی و شمالی-جنوبی تأثیر اساسی دارد. این تأثیر در دوران جنگ سرد، مخصوصاً در دهه ۱۹۷۰ با توجه به استقرار بیش از یک میلیون نفر سرباز و جنگ‌افزارهای هسته‌ای چین و شوروی در منطقه، بیشتر جنبه نظامی داشت. اما از اوایل دهه ۱۹۹۰، تحت تأثیر عوامل تازه‌ای قرار گرفته است. پژوهشگران چینی تهدید نظامی را که از ایام کهن تافروپاشی شوروی وجود داشته است «عامل سنتی» و تهدیدهای گوناگونی را که از هنگام استقلال کشورهای آسیای مرکزی علیه امنیت منطقه پدید آمده است «عوامل غیرسنتی» می‌نامند. عوامل غیرسنتی مؤثر بر امنیت آسیای مرکزی بر دو گونه‌اند، عوامل داخلی و عوامل خارجی.

الف) عوامل داخلی

کشورهای آسیای مرکزی پس از کسب استقلال با بسیاری از چالش‌های داخلی مقابله کرده‌اند اما هنوز موارد زیادی وجود دارد که امنیت و ثبات آنها را با مشکل روبرو می‌سازد. مهمترین این عوامل عبارتند از:

۱. جمعیت: رشد جمعیت در کشورهای آسیای مرکزی، مخصوصاً ازبکستان سریع است و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۱۵ به ۹۰ میلیون نفر برسد. تأمین کار و زندگی برای این جمعیت بزرگ آسان نیست. پراکندگی جمعیت در این کشورها نیز متعادل نیست و این نکات همراه با نامناسب بودن آب و هوا در برخی نقاط و کمبود منابع، اداره هماهنگ امور را مشکل می‌سازد.

افزون بر این، مسأله مهاجرتها بر ثبات آسیای مرکزی تأثیر می‌نهد. شمار قوم روس که در پایان عصر شوروی در کشورهای آسیای مرکزی به ۹/۵ میلیون رسیده بود، از سال ۱۹۸۹ به بعد

روبه کاهش دارد و همزمان، اقوام زیادی از کشورهای دیگر بر آسیای مرکزی روی آورده‌اند که در این مورد می‌توان به مهاجرت قوم قزاق از مغولستان به قزاقستان اشاره کرد. این جابجایی‌ها بر اقتصاد ضعیف منطقه تأثیر منفی دارد.^(۴)

۲. **افزایش فاصله بین فقیر و غنی:** در دورهٔ پس از استقلال، فاصله بین فقیر و غنی در جوامع آسیای مرکزی ازدیاد یافته و در آینده نیز به روبه افزایش دارد. چون امکانات دولت‌ها برای کاهش تفاوت‌های طبقاتی محدود است و خدمات اجتماعی مانند یارانه‌ها نیز پاسخگوی نیازهای مردم فقیر نمی‌باشد، احتمال بروز بحران در این نظام‌ها را نباید از نظر دور داشت. نظر بایف رئیس جمهور قزاقستان چند سال پس از استقلال ادعا کرده بود که درآمد متوسط سرانه در این کشور ۱۵۰۰ دلار است، اما در اوایل این قرن، آمارها نشان می‌دهد که درآمد در آنجا از ۱۰۰۰ دلار فراتر نرفته و جایگاه این کشور بین کشورهای در حال توسعه از پنجاه و چهارم در سال ۱۹۹۳ به صدم تنزل یافته است. در این کشور تنها ۳/۳ درصد مردم از بالاترین حد تأمین زندگی برخوردارند در حالی که ۶۱ درصد مردم در سطح فقر به سر می‌برند. افزایش فاصله بین فقیر و غنی از عوامل بالقوه بی‌ثباتی و ناامنی در این کشورها است.^(۵)

۳. **نظام سیاسی:** تصمیم کشورهای آسیای مرکزی به داشتن رئیس جمهور قدرتمند و مجلس ضعیف در بدو استقلال شاید با نیازهای آن زمان هماهنگی داشت و می‌توانست برای حفظ ثبات و اجرای سیاست‌های اساسی مفید باشد، لیکن ادامه سیاست‌های مقتدرانه توسط رئیس جمهور در درازمدت همراه با ضعف مجلس آثار بی‌ثباتی خواهد داشت.

رهبران آسیای مرکزی در روند تقسیم مالکیت خصوصی و منافع حاصل از آن، شبکه‌های ویژه سودجویی‌های شخصی را پدیدآورده و نهادهای اداری مربوط را تحت کنترل و نفوذ خود دارند. این گروه‌های ذینفع و ذینفوذ می‌توانند انتخابات را به نحوی که منافعشان

ایجاب می‌کند هدایت نمایند و رقبا را از ورود به مجلس بازدارند. اغلب رؤسای جمهور کشورهای آسیای مرکزی حاضر به فرو نهادن قدرت نمی‌باشند و در صدد تمدید دوره خدمت خود هستند. این روش ممکن است در کوتاه مدت موجب حفظ ثبات داخلی گردد اما در درازمدت موجب اتکای نظام و مردم به شخص واحد می‌شود و امنیت و ثبات را به مخاطره می‌افکند.^(۶)

۴. **اختلاف بر سر منابع طبیعی:** در دوران شوروی در ایجاد ساختارهای زیربنایی صنعتی و کشاورزی به سراسر آسیای مرکزی در یک طرح واحد و کلی نگریسته می‌شد و احتمال این که ممکن است این پنج منطقه ممنوعیتی علیه یکدیگر فراهم سازند مطرح نبود. به همین دلیل طرحهای تأمین آب و برق و نفت و گاز سراسر این منطقه، جدا از هم نبوده است. پس از استقلال کشورهای آسیای مرکزی به‌طور مکرر بین آنها بر سر منابع آب، اختلاف نظر و گفتگو بروز یافته است. منابع آب برای همه کشورهای آسیای مرکزی که اقتصاد آنها متکی به کشاورزی است اهمیت زیاد دارد. منابع نفت و گاز برای قرقیزستان و تاجیکستان که فاقد آنند ضرورت یافته و در عین حال، همین کشورها از منابع آب برای تأمین نیازهای دیگران برخوردارند و مجموع این تضادها بر آینده مسایل در آسیای مرکزی مؤثر خواهد بود. در این زمینه مخصوصاً اختلاف نظرها بر سر منابع دریای خزر جایگاهی اساسی دارد.^(۷)

۵. **اختلافات ارضی:** اکنون در سراسر آسیای مرکزی بیش از ده منطقه وجود دارد که بین دو یا چند قوم یا کشور مورد تعارض است زیرا گروه بزرگی از یک قوم در جانب دیگر مرز نیز زیست دارند. بیشتر این اختلاف نظرها از تقسیم‌بندی سرزمین‌ها در دوره شوروی سرچشمه گرفته است. اکنون بین ازبکستان و قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان، قرقیزستان و تاجیکستان اختلافات ارضی وجود دارد. کافی است اشاره شود که تنها بین ازبکستان و قرقیزستان ۱۳۰ نقطه مرزی حل و فصل نشده موجود است.^(۸)

۶. **مسایل قومی:** در آسیای مرکزی بیش از ۱۳۰ قوم مختلف زندگی می‌کنند. استقلال موجب گردیده که بعضی از قوم‌ها موقعیت اصلی و برتر یافته و دچار احساسات خودپر تربینی افراطی (شوونیستی) شوند در حالی که اقوام دیگر به شهروندان درجه دوم تنزل یابند. یکی از اقوامی که موقعیت خود را در آسیای مرکزی از دست داده است قوم روس می‌باشد که اکنون با اقوام حاکمه مناسبات خوبی ندارد.^(۹) مسایل قومی در آسیای مرکزی نه تنها از نظر داخلی، بلکه از لحاظ خارجی نیز با مشکلاتی روبرو است و این امر از تبلیغات «پان ترکیسم» سرچشمه می‌گیرد. دمیرل نخست‌وزیر پیشین ترکیه در فوریه ۱۹۹۲ در سخنرانی در آنکارا گفته است: «فروپاشی شوروی در مرزهای ترکیه تغییری پدید نیاورده اما حوزه نفوذ سیاسی و فرهنگی ما را از سواحل دریای آدریاتیک تا چین گسترش داده است». در همان سال، سیاستمدار دیگری در ترکیه گفته است: «در ترکستان شرقی (سین‌کیانگ) حدود ۳۰ میلیون نفر از برادران ما زیر ستم حکومت چین می‌سوزند و خواهان آزادی هستند». مجموع این مسایل با آرامش و امنیت در آسیای مرکزی ارتباط نزدیک دارند و می‌توانند بر ثبات داخلی و مناسبات با همسایگان تأثیر اساسی داشته باشند.^(۱۰)

۷. **اسلام‌گرایی افراطی:** در دوران روسیه تزاری و سپس شوروی، اسلام و اسلام‌گرایی زیر فشار قرار داشت. یکی از اشتباهات رهبران شوروی سابق این بود که در برابر دین اسلام جبهه‌گیری نموده آن را محدود ساختند. پس از فروپاشی شوروی، شاهد احیای سریع و گسترده اسلام در آسیای مرکزی هستیم. به‌طور مثال، در اواخر قرن بیستم در ازبکستان ۱۷۰۰ سازمان مذهبی وجود داشته که ۱۵۶۶ سازمان اسلامی بوده‌اند. شمار مساجد در این کشور از ۳۰۰ باب در ۱۹۸۹ به ۶۰۰۰ در ۱۹۹۳ رسید و ۹۰ درصد مردم آن کشور خود را مسلمان می‌دانند. در قزاقستان نیز تا پایان قرن بیستم بیش از ۵۰۰۰ باب مسجد احداث شده است. همراه با این روند، حضور و نفوذ وهابیون و نیروهای اسلامی افراطی از چین تا افغانستان در آسیای مرکزی روبه

افزایش است و علاوه بر کشورهای این منطقه، همسایگان آنها را نیز در معرض تهدید قرار می‌دهد. (۱۱)

۸. **قاچاق مواد مخدر:** در ده سال پس از فروپاشی شوروی، افزایش اعتیاد در کشورهای آسیای مرکزی به صورت مشکل و تهدید اجتماعی بزرگی درآمده است. در سال ۱۹۹۱، هنگام فروپاشی شوروی، در سراسر آسیای مرکزی تنها ۳۹۰۰ نفر معتاد وجود داشت اما این رقم در اوایل قرن بیست و یکم به بیش از سه میلیون نفر رسید که دو میلیون نفر آنها در قزاقستان بوده‌اند. به این ترتیب منطقه در زمره دارندگان بیشترین شمار معتادان درآمده است. نکته قابل توجه این است که ۷۵ درصد معتادان در آسیای مرکزی را جوانان بین ۱۴ تا ۳۰ ساله تشکیل می‌دهند.

علاوه بر این که حکومت طالبان در از دیاد ورود مواد مخدر به آسیای مرکزی نقش مؤثر داشته است، آب و هوای این سرزمین نیز در برخی نقاط برای کشت خشخاش مناسب می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تولید تریاک از خشخاش وحشی در آسیای مرکزی می‌تواند به سالانه ۳۰ تن برسد، در قزاقستان زمینه برای تولید سالانه بیش از ۵۰۰۰ تن تریاک وجود دارد. در قرقیزستان در اطراف دریاچه ایسیک کول و در ازبکستان، در نواحی سرخان رود و سمرقند تریاک کشت می‌شود. وجود ۶۰۰۰ کیلومتر مرز غیرقابل کنترل بین قزاقستان و روسیه انتقال مواد مخدر از آسیای مرکزی به اروپا را امکانپذیر می‌سازد. سودهای کلان حاصل از قاچاق مواد مخدر موجب پدید آمدن سازمانهای بزهکاری متعدد در آسیای مرکزی شده و شیوع فساد در نیروهای پلیس و مرزبانی بر امکانات فعالیت آنها می‌افزاید. این سازمانها علاوه بر مواد مخدر به انتقال غیرقانونی جنگ‌افزار نیز می‌پردازند و به صورت یکی از عوامل مهم بحران و بی‌ثباتی در منطقه درآمده‌اند. (۱۲)

ب) عوامل خارجی

بررسی اوضاع در آسیای مرکزی نشاندهنده افزایش اهمیت راهبردی این منطقه در دوره پس از فروپاشی شوروی است. این امر موجب گردیده که نقش عوامل خارجی در امنیت آسیای مرکزی از دهه ۱۹۹۰ به بعد ازدیاد یابد. مهمترین این عوامل از نظر محققان چینی به شرح ذیل اند:

۱. رقابت قدرتهای بزرگ: آسیای مرکزی در سالهای اخیر بنابه دلایل مختلف جغرافیایی - سیاسی و جغرافیایی - راهبردی برای قدرتهای بزرگ اهمیت بسیار یافته است. روسیه این منطقه را جزء حوزه نفوذ سنتی خود می داند و با تجدیدنظر در استراتژی امنیت ملی در سال ۱۹۹۲، در صدد بازیافتن وجهه پیشین خود در آنجا است. آسیای مرکزی در استراتژی جهانی آمریکا نیز جایگاهی ویژه دارد. این ابرقدرت در سال ۱۹۹۸ «استراتژی نوین درباره آسیای مرکزی» را مطرح ساخته که در آن حمایت کامل آمریکا از کشورهای منطقه برای کسب استقلال واقعی از روسیه، استفاده از منابع نفت و گاز آنجا، جلوگیری از حضور و نفوذ روسیه و ایران در آنجا، و قرارداد دادن منطقه در حوزه «منافع راهبردی» آمریکا، بیان گردیده است. ادامه استقرار نیروهای آمریکایی در آسیای مرکزی پس از بهانه‌ای که با حوادث یازدهم سپتامبر فراهم آمد چالشی در برابر موقعیت برتر روسیه در منطقه است. از این پس روسیه برای حفظ منافع خود با مشکلات و تضادهایی روبرو خواهد شد. این تضادهای منافع ممکن است به درگیری بین آمریکا و روسیه نیانجامد لیکن از عوامل بی ثباتی و ناامنی در آسیای مرکزی خواهد بود. (۱۳)

۲. اوضاع افغانستان: آسیای مرکزی در دوران تعرض نظامی شوروی پیشین به افغانستان از پایگاههای اصلی بود. رفت و آمد نیروها و انتقال جنگ افزارها، آمدوشد نیروهای ضد شوروی در مرزها و نفوذ طالبان و اندیشه‌های آنها از مواردی بوده که بر اوضاع سیاسی و اجتماعی آسیای

مرکزی تأثیر نهاده است. با توجه به این که به رغم حضور نظامی آمریکا در افغانستان، هنوز آرامش و ثبات به آن بازنگشته است، احتمال وقوع رویدادهایی را که بر امنیت آسیای مرکزی تأثیر منفی داشته باشد نمی‌توان از نظر دور داشت. (۱۴)

۳. **اوضاع ماورای قفقاز:** ناآرامی و بی‌ثباتی طی ده سال اخیر در ناگورنوقراباغ، ابخازیا و چین و دیگر نقاط ادامه داشته است. با توجه به همسایگی ماورای قفقاز با آسیای مرکزی و ارتباطهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بین دو منطقه، طبیعی است که درگیری‌ها و بحرانها در آن مناطق بر امنیت آسیای مرکزی تأثیر نهد. نگرانی کارشناسان چینی آن است که عملیات ارتش آزادیبخش کوزوو سرمشقی درازمدت برای رزمندگان افراطی در آسیای مرکزی باشد و همانند انفجارهایی که در تاشکند و تاتر مسکو و نقاط دیگر صورت گرفت. عملیات تروریستی نه تنها در آسیای مرکزی، بلکه علیه امنیت کشورهای همسایه آنها نیز برنامه‌ریزی شود. (۱۵)

۴. **مسأله کشمیر:** اختلاف نظرهای هند و پاکستان بر سر کشمیر و مسابقه تسلیحاتی آنها در زمینه جنگ افزارهای هسته‌ای، بر امنیت آسیای مرکزی آثار منفی دارد.

۵. **ناآرامی‌های آسیای غربی:** اوضاع آسیای غربی در همسایگی آسیای مرکزی طی بیش از یک دهه اخیر ناآرام بوده و بر امنیت این منطقه تأثیر داشته است. می‌توان انتظار داشت که سیاست آینده آمریکا در خاورمیانه مخصوصاً در مورد عراق و ایران، موجب تضادهایی در آن منطقه گردد.

۶. **اختلافات بین کشورهای آسیای مرکزی بر سر انتخاب متحدان:** اختلاف نظرهای موجود بین کشورهای آسیای مرکزی نیز از عوامل بی‌ثباتی در آن منطقه است. پژوهشگران

بر اساس تحلیل‌های محققان روسی می‌نویسند اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی ضعیف می‌باشد و هر یک از آنها برای حل و فصل مسایل اقتصادی خود دوستان و متحدان متفاوتی را برگزیده‌اند. این نکته موجب می‌گردد که بین آنها بر سر سیاست خارجی و اولویت‌های آن تفاوت نظر پدید آید و در آینده به تنش‌هایی بیانجامد.

نتیجه

عوامل ناامنی در آسیای مرکزی به مسایل داخلی و بین‌المللی مربوط می‌گردد. مهمترین این عوامل عبارتند از افراط‌گرایی دینی و قومی، تروریسم، بزهکاری‌های فرامرزی و اوضاع افغانستان. محتمل‌ترین شکل تهدید در این کشورها وقوع ناامنی و درگیری وسیع داخلی است که مهار آن بسیار مشکل خواهد بود و تجربه تاجیکستان نمونه‌ای از آن می‌باشد. در این صورت زمینه برای افزایش نفوذ و مداخله تندرهای اسلامی و یا مداخله خارجی فراهم می‌گردد. پژوهشگران چینی بر این نظرند که توسعه اقتصادی مشترک، شالوده‌ای مناسب برای حفظ ثبات و امنیت در آسیای مرکزی است و هرگاه کشورهای منطقه بتوانند با پیشرفت اقتصادی به بهبود وضع زندگی مردم و تقویت توان جامع خود دست یابند، از امنیت بیشتری نیز برخوردار خواهند شد. در اینجا نقش کشورهای پیرامون آسیای مرکزی اهمیت بسیار دارد و سیاست‌های مثبت و مسئولانه آنها در جهت کمک به توسعه اقتصادی - اجتماعی منطقه می‌تواند در تضمین امنیت و ثبات تأثیر اساسی داشته باشد. (۱۶)

یادداشت‌ها

۱. سلسله چینگ (Qing) از ۱۶۴۴ تا ۱۹۱۱ میلادی بر چین حکومت کرد.
۲. (Xin Jiang)، ایالت خودمختار مسلمان نشین در شمال غربی چین با وسعتی حدود ایران.
۳. پان، جی پین (Pan Zhi Pin)، خودمختاری قومی یا جدایی‌خواهی قومی؟ مسایل قومی و تفرقه‌جویی معاصر (انتشارات خلق شین‌جیانگ ۱۹۹۹، اورومچی)، ص ۲۲۹، (به زبان چینی)
۴. سون، جوانگ جی (Sun Zhuangzhi)، اوضاع جدید در آسیای مرکزی و امنیت منطقه‌ای، (انتشارات آکادمی علوم اجتماعی چین، ۲۰۰۱، پکن)، ص ص ۱۴۴-۱۴۲، (به زبان چینی)
۵. وانگ، یادونگ (Wang Yadong)، دگرگونی در نظام‌های آسیای مرکزی، چالش‌ها و پاسخ‌ها، مجله مطالعات اروپای شرقی و آسیای مرکزی، (انتشارات آکادمی علوم اجتماعی چین، پکن)، شماره ۳، سال ۲۰۰۰، ص ص ۳۹-۳۳، (به زبان چینی).
۶. وانگ، یادونگ، همان.
۷. مؤسسه مطالعات بین‌المللی معاصر چین، مسایل قومی در جهان (انتشارات مسایل روز، ۲۰۰۱، پکن)، ص ۱۶۰، (به زبان چینی)، سون جوانگ‌جی، همان، ص ۱۴۴.
۸. چیان، زونگ‌چی (Qan Zongqi)، تأثیر تضادهای قومی و دینی در آسیای مرکزی، مجله مطالعات اروپای شرقی و آسیای مرکزی (انتشارات آکادمی علوم اجتماعی چین، پکن)، شماره ۲ سال ۲۰۰۱، ص ص ۶۱-۵۸ (به زبان چینی)
۹. پن، رویی (Pan Ruyi) و دیگران، ویژگی‌های درگیری‌های قومی پس از جنگ سرد. مجله مطالعات بین‌المللی (شانگهای)، شماره ۴، سال ۲۰۰۱، ص ص ۶۹-۵۹ (به زبان چینی).
۱۰. مؤسسه مطالعات بین‌المللی معاصر چین، مسایل قومی در جهان، همان، ص ص ۱۱۰-۹۰.
۱۱. چیان، زونگ‌چی، همان، ص ۵۹.
۱۲. دنگ، هائو (Deng hao)، معضل مواد مخدر در آسیای مرکزی، حال و آینده، مجله مطالعات بین‌المللی (پکن)، شماره ۴، سال ۲۰۰۱، ص ص ۵۱-۴۶، (به زبان چینی) و سون جوانگ‌جی، همان، ص ۱۳۶.
۱۳. جائو، مین‌ون (Zhao Minwen)، مناسبات روسیه و آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، مجله مطالعات اروپای شرقی و آسیای مرکزی (پکن)، شماره ۳، سال ۲۰۰۲، ص ص ۷۰-۶۶، (به زبان چینی)
۱۴. سون، جوانگ‌جی، همان، ص ۲۵.
15. Wang Haiyun, The Security Situation in Central Asia, International Strategic Studies, No.1, 2001, pp.45-51.
۱۶. سون، جوانگ‌جی، همان، ص ۱۵۷.